

گروه بیست G 20،

ابزار گرداننده « همایش های اقتصادی جهان »

در رویایی با

« همایش های اجتماعی جهان »

داکتر سید موسی صمیمی

15 دسمبر 2010

گروه بیست G 20،

ابزار گرداننده «همایش های اقتصادی جهان» در رویایی با «همایش های اجتماعی جهان»

داکتر سید موسی صمیمی

15 دسمبر 2010

1. پیشگفتار
2. جهانی شدن غرب مدار، حامل بحران مزمن
3. ساختار «گروه بیست» با تفاوت کشورهای خود مدار و کشورهای پیرامونی
4. هندوستان و چین، دو کشور پیرامونی با راهیافت های متفاوت
 - 4.1. هندوستان، الگوی انکشاف بزرگترین دموکراسی جهان
راهیافت از «پایین به بالا» Bottom up
 - 4.2. جمهوری توده یی چین، الگوی "سوسیالیزم واقعا موجود"
راهیافت از «بالا به پایین» Top down
5. نشست سران گروه بیست در سیول، پایتخت کوریای جنوبی، بیانگر درهم آمیزی
 - 5.1. تدابیر پیشگیرانه در راستای عدم تصادم نظرات
 - 5.2. «اعلامیه نشست سران کشورهای عضو گروه بیست در سیول»
6. ارزیابی انتقادی: فرایند دشوار «جهانی شدن پسا امریکا»
 - 6.1. گروه بیست بمثابه ابزار چیره شدن بر بحران «جهانی شدن غرب مدار»
 - 6.2. تولیدات ناخالص اجتماعی درون مرزی، شاخص اغوا کننده
 - 6.3. تامین نسبی «نیازمندی های اولیه» بمثابه حقوق بشر
 - 6.4. وابستگی های اقتصادی
 - 6.5. بکاربرد شاخص بدیل: «توانا یی ملی گسترده»
 - 6.6. مبارزه دو راهیافت: «داووس Davos» در رویایی با «پورتو الگر»
«Porto Alegre»
نتیجه گیری
7. رویکردها

بخش دوم

4.2. جمهوری توده چین، الگوی "سوسیالزم واقعا موجود"

- راهیافت از بالا به پایین " Top down "

پیشوایان راه «آزادی های اقتصادی» و «مهار زدن های سیاسی»

هو انگ هوا، Huang Hua یکی از کادر های کهنه کار حزب کمونیست چین در ماه نومبر سال 2010 به علت بیماری عدم کفایه گرده ها در یکی از بیمارستانهای پیکنگ به عمر 97 سالگی چشم از جهان بست. (19) هو انگ، یکی از معاونین وفادار چوین لای، نخست وزیر با نفوذ چین به شمار می رفت. او در ایام دگرگونی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به مثابه وزیر خارجه جمهوری توده یی چین در سالهای 70 و اوایل سال های 80، در شکل گیری فکری حزب کمونیست چین نقش به سزایی داشته است. نام هو انگ زمانی بر سر زبانها افتاد که وی، نظر به فصاحت زبان انگلیسی در زمان مقاومت ضد جاپانی در سال 1936، به حیث ترجمان با ادگار سنو (Edgar Snow)، خبرنگار امریکایی از طرف حزب موظف گردیده بود. «ستارهء سرخ بر فراز چین (Red Star Over China)» به قلم سنو، اولین گزارش گستردهء همان زمان در باره فعالیت های حزب کمونیست چین در غرب پنداشته می شود. هنری کیسنجر، وزیر امور خارجه سالهای 70 سده بیستم زمانی هو انگ را « یکی از تواناترین کارمندان دولتی » ای خوانده است که وی با آنها هم صحبت بوده است. (20) هو انگ در برقراری روابط دیپلماتیک با ایالات متحده امریکا با یک سری از رییسان جمهور آن کشور از جمله با جیمی کارتر، رونالد ریگن و جورج بوش پدر، نقش «برجسته و سازنده» ای بازی نموده است. او در رویداد های مهم و سر نوشت ساز چین توده یی، از مبارزات مقاومت ضد جاپانی و جنگ های داخلی تا « انقلاب فرهنگی » و در اخیر پیروزی خط فکری دنگ سیاو پینگ، به مثابه کادر فعال و پیشتاز سهم به سزایی داشته است.

هو انگ در کنار دنگ سیاو پینگ Deng Xiaoping، بانی نظام فکری باز نگری های سیاسی و اقتصادی، به ویژه در مبارزه با شیوه فکری مائوتسه تنگ بود او از زمره راهروان راه «آزادی های اقتصادی و مهار کردن های سیاسی» تحت رهبری حزب کمونیست چین خوانده میشود.

دنگ سیاوپینگ

«پدر معنوی» تدابیر «بهسازی های اقتصادی» و «اولویت های سیاسی»

دنگ (22 اگست 1904 تا 19 فبروری 1997) یکی از دولتمردان بزرگ، سیاستمداران هدفمند، نظریه پردازان مبتکر و دیپلماتهای مشهور چین توده یی به شمار میرود. با وجود آنکه او هیچگاه کدام کرسی مهم حزب کمونیست چین (از قبیل ریاست دولت،

نخست وزیر و یا کرسی منشی عمومی) را اشغال نکرد، اما در تعیین منشی حزبی و راهبرد های دولتی نقش کلیدی داشته است. در دوران «انقلاب فرهنگی» و «جهش بزرگ»، دو رویداد فاجعه انگیزی که منجر به قتل و قتل هزارها تن از کادرهای حزبی و ملیون ها تن از توده های دور «چین نوین» گردیده (21) دنگ وظیفه «بازسازی اقتصادی» کشور را بدوش داشت؛ کشوری که در آن روابط کهن تولیدی (نیمه مستعمره و نیمه فیودال- مائو تسه تنگ) گویا به شکل بنیادی منهدم گردیده اند. در اینجا سیاستهای اقتصادی دنگ با ایدئولوژی سیاسی و مش حزبی مائو تسه تنگ، منشی عمومی حزب کمونست آنزمان چین در رویارویی قرارگرفت. (22) در نتیجه دنگ در کنار شمار دیگری از کادرهای حزبی قربانی «انقلاب فرهنگی» گردید. ولی دنگ بعد از نشیب و فرازهای سیاسی دوران مائوتسه تنگ دوباره در سال 1978 به مثابه هسته نسل دوم حزبی در صحنه سیاست فعال حزبی برگشت نمود. از آنزمان باینسو دنگ بانی شیوه فکری سوسیالزم تپ جدید پنداشته شده است. توام با «سوسیالزم نوع چینی» دنگ «پدر معنوی» تدابیر «بهسازی های اقتصادی» زیرعنوان «اقتصاد بازار (آزاد) سوسیالیستی» خوانده میشود. به پیروی ازین شیوه بهسازی دنگ از یک طرف دروازه های کشور را برای سرمایه های خارجی باز نموده و از طرف دیگر در جهت مدرنیزه کردن چهار بخش تدابیر اساسی تدوین نمود: مدرنیزه کردن زراعت، صنعت، دانش و فن گرایی و در اخیر مدرنیزه کردن امور نظامی. گرچه دنگ در تفاوت با افکار میخائیل گرباچف (دگرگونی و وضاحت Perestroika - Glasnost) که از راهیافت «بالا به پایین» حرکت میکرد، در بخش امور اقتصادی با دادن آزادی های بیشتر اقتصادی به بخش خصوصی بصورت نسبی هوادار شیوه کار «از پایین به بالا» شمرده شده میتواند، ولی این راهیافت نخست به بخش کوچک اقتصادی محدود بوده است و از طرف دیگر بایست، به تاسی از نظر دنگ در شکل گیری فرایند سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصل «اولویت سیاست» و شیوه کار از بالا به پایین حکم فرما باشد.

تبارز چین توده با امکانات «اقتصاد غول پیکر»

« از انقلاب سال 1911 یعنی از 45 سال باینسو وضع چین بشکل بنیادی تغیر نموده است. ولی در 45 سال آینده، یعنی تا سال 2001 این کشور با دیگر گونی های هنوز هم بیشتر مواجه خواهد گردید. در آنزمان چین یک کشور سوسیالیستی و صنعتی پر توان خواهد بود.»

مائو تسه تنگ . نومبر سال 1956 (23)

از زمان پیاده کردن تدابیر مدرنیزه کردن بخش های مهم اقتصاد در اوایل سالهای هشتاد بدینسو، چین به یکی از کشور های با سریعترین انکشاف اقتصادی در جهان مبدل گردیده است. پا به پا با این پویایی، سرزمین چین یکی از کشور های مهم در فرایند «جهانی شدن» با سهم بسزایی در روابط تجاری، مالی و خدمات شمرده میشود.

انگیزه های انکشاف اقتصادی چین در قدم نخست درون مرزی پنداشته شده و هدف اصلی آن در غلبه کردن بر فقر و گرسنگی صدها ملیون چینی است که پایین تر از خط قرمز فقر قرار دارند. در عین زمان و از مدت ها باینسو، بویژه از آستانه سده 21 با ینسو رهبران چین با مولفه انکشاف گسترده داخلی و روابط چند بعدی بیرون مرزی، بشکل روز افزون از زاویه «جهانی شدن» می نگرند. دولتمردان چین تلاش دارند تا از یکسو با در نظر داشت انحصار قدرت سیاسی زیر ارشاد حزب کمونست آن کشور در شکل گیری نظام اقتصادی، زمینه ساز شگوفایی های اقتصادی-اجتماعی باشند. از طرف دیگر از نظر آنها بایست چین به مثابه بازیگر تا زه دم به چالش های ناشی از جهانی شدن بازتاب در خور یک «قدرت بزرگ» نشان دهد. ژیانگ زمین Jiang Zemin، سردبیر حزب کمونست چین در آستانه سده بیست و یکم با صراحت کامل اعتراف می نماید که هویت و شکل گیری اقتصاد ملی چین در هزاره سوم با «جهانی شدن» در پیوند گسترده و عمیق قرار دارد. (24)

از سال 1978 باینسو، نرخ رشد تولید نا خالص اجتماعی درون مرزی چین بطور اوسط بالغ به 9 درصد می شود. (25). در سی سال اخیر هیچ کشور دیگر با این نرخ، حامل رشد متداوم نبوده است. به تاسی ازین رقم، از اوایل سالهای هشتاد باینسو تولید نا خالص اجتماعی درون مرزی چین ده چند افزایش نموده است. این رقم در سال 2009، به اساس قوه خرید، بالغ به 8,7 تریلیون دالر امریکایی می شود. باین اساس چین بعد از ایالات متحده امریکا با رقم محصول اجتماعی 14 تریلیون در مقایسه جهانی از جاپان پیشی گرفته است و دارای مقام دوم شده است. باید افزود که درین قطار هندوستان با داشتن 3,5 تریلیون دالر در مقام چهارم و قبل از جمهوری فدرالی آلمان قرار می گیرد. (26) ولی اگر بر پایه نرخ تبادل سنجش شود، حجم تولید ناخالص اجتماعی درون مرزی چین به رقم 4,7 تریلیون بعد از امریکا و جاپان در ردیف سوم قرار می گیرد، و هندوستان با رقم 1,2 تریلیون دالر امریکایی کشور شماره 12م محسوب میشود. اگر تکامل اوضاع مانند سی سال گذشته و بدون موانع سیاسی و اجتماعی درونی و تشنجات بیرون مرزی ادامه یابد، سهم چین در تولیدات جهانی در سال 2020 به 25 درصد افزایش می یابد؛ در حالیکه ایالات متحده امریکا 15 درصد و اتحادیه اروپا؛ با 27 کشور عضو اش، 13 درصد تولیدات جهان را به دست خواهند آورد (27).

کاربرد « توانایی نرم » – soft power به مثابه نیاز تاریخی

«ماهیت وقت نبایست بمتابه یک قدرت بزرگ بر تر گرا- شووینیست- و مغرور عمل نماییم. هر ملتی، کوچک و یا بزرگ دارای نقاط ضعف و فضایل خویش می باشد».

مائو تسه تنگ سال 1957. (28)

«توانایی نرم» که جوزف نای Joseph Nye آمریکایی آنرا به حیث یک مقوله در علوم اجتماعی معمول کرده است، به مفهوم بکاربرد قابلیت‌های سیاسی، به ویژه در روابط جهانی می باشد که بر مبنای جذابیت های فرهنگی و نظری در محدوده بنیاد های بین المللی افاده می شود. اصطلاح soft power با این ترتیب در مقابل hard power – توانایی سخت - قرار گرفته است که بیشتر بر پایه قدرت و زور نظامی تکیه میزند (29).

رهبران چین توده یی به شکل روز افزون و نظر به نیاز مندی های ساختاری آنکشور تلاش دارند تا در روابط جهانی بیشتر به ابزار «رقابتهای مسالمت آمیز» پناه برند، و ازین طریق جوابگوی چالش های «جهانی شدن» باشند. دنگ سیاو پنگ به این باور بود که رژیم کمونست چین بایست انکشاف اقتصادی را سرعت بخشیده و درین راستا نباید «ایدیولوژی» بلکه ارقام واقعی رهنمای کار آنها باشد. در رابطه با «ایدیولوژی»، زمانی دنگ گفته بود: «تا زمانی که گربه میتواند موش بگیرد، گربه خوب است، چه این گربه سیاه و یا سفید باشد». (30) رهبران چین این وجیزه را تا خط راهبردی سیاست خارجی خویش ارتقا داده اند.

با پیروی از همین اصل کادرهای حزبی در تلاش اند تا با «خودداری از مناقشه» و چشم پوشی از ساختار رژیم های اقتدارگرای دول دیگر و فقط در جهت منافع دراز مدت سرزمین شان روابط خارجی، به ویژه مناسبات اقتصادی کشور شان را آراسته سازند. ولی درین راستا سیاست چین به طور آشکار دو بعدی بوده می تواند: به شکل دراز مدت و راهبردی در هسته سیاست استوار، مستحکم و راسخ، ولی در بخش کوتاه مدت متحول، خویشتندار و مصالحه جو. با پیروی از همین دوگانگی، عقب نشینیهای قسمی سیاسی و نظامی و پیشروی های اقتصادی، چین ازین هم خودداری نمی نماید که دستاورد های اقتصادی و پیشرفت های فناوری اش را در رابطه با تمدن های دیرینه خویش به تماشا بگذارد؛ گویا شگوفایی معاصر اقتصادی را با گذشته های چند هزار ساله اش پیوند میزند. این موضوع به خصوص با برگزاری «بازی های المپیک» در سال 2008 با تمام ابعاد آن روشن میگردد. بازی های المپیک، که چین در سال 2008 مهماندار آنها بود، زمینه آنرا میسر ساختند تا رهبران آن کشور قابلیت های عملی خویش را در بوته آزمایش قرار دهند و هیچ چیز را به تصادف وانگذارند. نخست از همه این المپیک به ساعت هشت، روز هشتم، ماه هشتم سال دو هزار و هشت افتتاح گردید. در این تاریخ،

چهار بار رقم هشت داخل بود که با پیروی از آموزشهای کونفوسیوس، «استاد بزرگ» و بانی فلسفه «جامعه همساز و هماهنگ»، بیانگر «شگوفایی و اطمینان» دانسته می شود. بعد از به صدا در آمدن بیشتر از دو هزار دهل بزرگ در افتتاح المپیک، کاروان انکشاف تمدن چین با مثالهای از اختراعات دورانساز به حرکت در آمد. این کاروان بیانگر مثلاً کشف کاغذ در اوایل سده دوم، صنعت چاپ در سده نهم، باروت در سده یازدهم و بکاربرد مقناطیس قطب نما باز هم در سده یازدهم بود. (31) باین ترتیب چین خود را به مثابه پیشاهنگ اختراعاتی به نمایش گذاشت که اروپاییان با خود مرکز بینی ویژه شان، ابداع خود می دانند. در پایان مراسم افتتاح المپیک نقل قول مشهور کونفوسیوس «درین جهان ما همه برادر هستیم» روی نوار های بزرگ رونما گردید. قابل توجه اینکه درین المپیک چین با گرفتن 49 مدال طلا در مسابقات مختلف از امریکا (43 مدال طلا) پیشی گرفته و مقام اول جهانی را احراز نمود.

تنها هزینه افتتاح و ختم بازی های المپیک در سندیوم ملی پیکنگ یک صد ملیون دالر رقم زده شده است. (32). بودجه کلی این برنامه بالغ به 43 ملیارد دالر امریکایی می گردد که در حدود دو چند محصول ناخالص اجتماع درون مرزی سالانه افغانستان است. المپیک سال 2008 برای کرسی نشینان حزبی، زمینه آنرا آماده ساخت تا در زیر این نکته صحه بگذارند که آنها تحت رهبری حزب کمونست آن کشور به «رقابتهای اقتصادی» باور دارند؛ همچنان المپیک پیام آور این «رمز عیان» هم بود که چین اکنون یک کشور «پویا، نیرومند و با قابلیت های سرشار و نیروی بزرگ اقتصادی» است و بحیث بازیگر بزرگ در عرصه جهان با چالش های همیشگی آن عرض اندام نموده است.

ولی طوری که در گذشته ها در چین هم گفته اند «هر چیزی که میدرخشد، حتماً طلا نیست»، چین هنوز هم راه پر پیچ و خم را در پیشرو دارد و کرسی نشینان حزبی با یک سری از چالش های سیاسی درون مرزی و رقابتهای های بیرون مرزی روبرو دیده میشوند.